

خودتنظیمی و خودگردانی در شاهنامه فردوسی

آمنه فولادی

دبیر آموزش و پرورش شهرستان قیر و کارزین

چکیده

خودتنظیمی از نظریه‌های تربیتی در حوزه روانشناسی است که در آن فرد از طریق کنترل آگاهانه بر رفتار خود، اعمال و واکنش‌های خود را در شرایط مختلف تنظیم و مدیریت می‌کند. آلبرت بندورا نخستین کسی است که این نظریه را بازگو کرد. از نظر این روانشناس برجسته کانادایی عوامل درونی و محیط بیرونی از عوامل مؤثر در خودتنظیمی افراد است و یادگیرنده برای مدیریت، تنظیم و تغییر رفتارهای خود شیوه‌های گوناگونی را به کار می‌گیرد تا خودگردان و مستقل شود و اعتماد به نفس بالا کسب کند. از آنجایی که خودگردانی و خودتنظیمی از اهداف مهم در زمینه تعلیم و تربیت به شمار می‌آید، و این که به موضوع تعلیم و تربیت در شاهنامه که شاهکار ادبی و حماسی جهان است به صورت گذرا نگریسته شده، این جستار به بررسی نظریه تربیتی خودتنظیمی و خودگردانی در شاهنامه اختصاص یافته است. روش این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است و نتیجه بررسی گویای این است که عوامل درونی و محیط بیرونی در خودگردانی شخصیت‌های شاهنامه تأثیرگذار بوده و در تربیت شخصیت‌های خودتنظیم و خودگردان شاهنامه همه روش‌های مورد توجه بندورا یعنی تقویت (تشویق)، تنبیه، کنترل شرایط محرک و پرورش پاسخ‌های ناهمساز دیده شده است.

واژه‌های کلیدی: نظریه خودتنظیمی، خودگردانی، آلبرت بندورا، تربیت، شاهنامه

مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه

دوره ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، صفحات ۸۲-۹۳